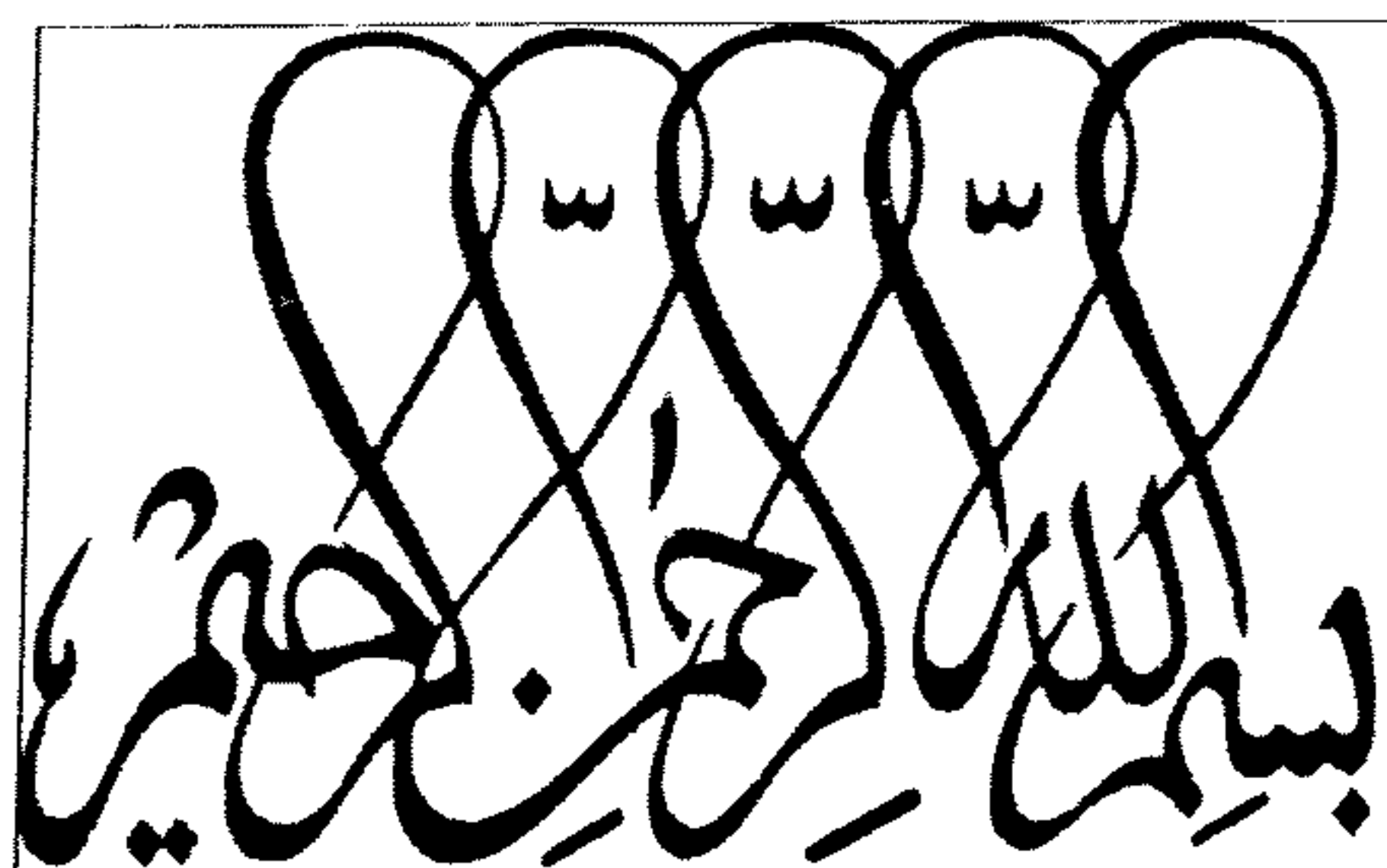




مناجات انتظار

عبدالکریم شاحیدر



- سرشناسه : شاحیدر، عبدالکریم، ۱۳۴۷-
 عنوان و نام پدیدآور : مناجات انتظار/مؤلف عبدالکریم شاحیدر.
 مشخصات نشر : قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری : ۴۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۲۹-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : مناجات
 موضوع : مهدویت--انتظار
 رده بندی کنگره : BP271/8 /ش ۸م ۱۳۹۳
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۸
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۵۶۷۱۳۳

مناجات انتظار



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

- مؤلف: عبد الکرم شاحیدر
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
- صفحه آرا: داوود هزاره
- نوبت چاپ: دوم/ بهار ۱۳۹۶
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۲۹-۳
- شمارگان: هزار نسخه (تاکنون: دو هزار نسخه)
- قیمت: ۱۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: خیابان شهدا/کوچه آمار(۲۲)/بن بست شهید علیان/پ: ۲۶/
 تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱ نماین: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳
- تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایالتیا/پ: ۹۸/
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰/نماین: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱

- www.mahdaviat.ir
- info@mahdaviat.ir
- Entesharatbonyad@chmail.ir

مناجات انتظار

عبدالکریم شاحیدر

تقدیم به:

امام به حق ناطق، حضرت امام جعفر

صادق علیه السلام

که تبیین درست امر انتظار را در

مکتب او آموخته‌ام.

طلیعه

امر انتظار آئینه تمام نمای احوال جهان
امروز است. کارنامه انتظار پر از نکته‌های
شنیدنی و پندآموز برای اهالی انتظار است. آنان
که صاحب انتظار را امام عشق و عدالت می‌دانند،
معشوق شناسانی بی‌رقیبند که خود را بی‌نقیب
نمی‌خواهند. آنان که در کلاس انتظار آموختند و
حقیقت آن را آزمودند؛ خورشید عشق را طالبند؛
با ظلمت و تاریکی در ستیزند و با کنار زدن
خودِ کاذب، دلیرانه به دنبال خودِ صادقِ خویش
اند.

خوانندگان و خواهندگان کارنامه انتظار و
صاحب انتظار می‌دانند که نه تنها گردِ کهنگی
بر مفهوم بلند، عمیق و دامن‌دار انتظار

نمی‌نشیند، بلکه پیوسته نو نو می‌شود. زبان انتظار با زمان آن نیز هم سو و هم آوا است و تاریخ، آن را به همه‌ی قرون و اعصار نشان داده و می‌دهد و برای مردم هر دوره مفهومی تازه، امیدآفرین و شوق‌انگیز بوده است.

چنین نیست که کسانی گمان کنند مفهوم انتظار از مفاهیم متعلق به جهان قدیم و تفکر سنتی است و در عصر مدرنیسم و پست مدرنیسم دیگر نباید از چنین مفهومی سخن گفت. چرا که از منظر آنان این مفهوم ما را به سوی وحدت و یکپارچگی فرا می‌خواند و این با تکثر و تنوع که محورِ تفکرِ پُست مدرن است در تضاد است. اما باید دانست، کوشید و از درون جوشید و بیش از پیش به مفهوم متعالی و حرکت آفرین امر انتظار اندیشید و آن را به خوبی بررسی و تجزیه و تحلیل کرد و الا در تهاجم تردیدهای اندیشه‌های ایمان سوز و دین‌زدا، هم تجزیه خواهیم شد و هم تحلیل.

به بیان بهتر، امر انتظار روز به روز شکفته‌تر و بالنده‌تر می‌شود و زندگی آدمی را هدفمند و نور افشان می‌کند و کمک می‌کند تا انسان بر قلّه‌ی رفیع استدلال، نه تنها حرکت رو به جلو داشته باشد بلکه با گام‌های بلند و استواری به بامِ عالم صعود کند و زیبایی‌های جهان هستی را به خوبی مشاهده کند و حقیقت حیات را ادراک نماید.

ذهن دین‌شناس و دین‌باور مسلمانان و به ویژه شیعیان پیوسته به مقوله‌ی انتظار در عصر غیبت می‌اندیشد و البته همه‌ی آدمیان در تمام اطراف و اکنافِ جهان برای رهایی از یأس و ناامیدی و شکفتگی روحی و معنوی باید به مسأله‌ی انتظار به صورت فعال و نه منفعل بیندیشند تا شاید بتوانند در زندگی، دین‌ورزی فعالانه و سازنده‌ای را تجربه کنند. امروزه بیش از هر زمان دیگر، نیازمند باوری درست، پویا و گویا در خصوص امر انتظار و صاحب انتظار، یعنی؛ حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم.

کتاب حاضر، زیر عنوان «مناجات انتظار»

که در قالب راز و نیاز با حضرت حق، نگارش یافته است؛ گامی هر چند کوچک در مسیر تقویت معرفت انتظار و کسب مهارت آنست تا شاید بتواند تشنگان این وادی معرفت خیز را مشوقی در خصوص مهارت انتظار و توجه بیش‌تر به حضرت بقیّه الله الاعظم روحی فداه باشد.

آته مَفِیضُ الْخَيْرِ وَالْجُودِ

دکتر عبدالکریم شاحیدر- بهار ۱۳۹۳

مناجات انتظار

خدایا! زمزمه‌ی انتظار، نجوای منتظران
راستین است.

خدایا! خواندن آیه‌های انتظار، بربال ملائک
نشستن و از خود رستن است.

خدایا! یاریم ده تا از چشم آن منتظر
راستین، جهان را بنگرم و زیستنش را تجربه
کنم.

خدایا! انتظار و خود پرستی هیئات هیئات!!

خدایا! در گلستان پر عطر و بوی انتظار،
می‌توان چشم زیبای آفتابِ انتظار را به تماشا
نشست و از آن فروغی دوباره گرفت.

خدایا! نگاهِ منتظر، مشق عشق است، پس ما
را از آن دریای مواج نصیبی پر برکت ارزانی دار.

خدایا! شکفتگی روح در پرتو انتظار چقدر
زیبا و دیدنی است.

خدایا! اسوه‌های استقامت، از نردبان انتظار
بالا رفتند و از بام معنا تماشاگاه راز را تجربه
کردند.

خدایا! انسان با معنا در تشعشع انتظار چه
زیبا و پر تلالؤ می‌شود.

خدایا! در جهان انتظار، خورشید دادگستر را
بتابان و همه را از نور خیره کننده‌اش، حیران
کن و لذت آن حیرت را بدانان بچشان.

خدایا! قلب انتظار از انتظار پاره پاره شد.

خدایا! شکوه انتظار، مرا در مسیر شاید و
نکند، مات و مبهوت در همان اولین قدم نگاه
داشته است.

خدایا! ناز انتظار را به امید وصال، به جان
می‌خرم.

خدایا! عزت انتظار در حکمت انکشاف و
مصلحت امتحان است، پس ما را از آن سر بلند
کن.

خدایا! در وادی طلب، به انتظار نشستن

هیئات هیئات!!

خدایا! عرفانِ انتظار را از معرفت جویان

دریغ مدار.

خدایا! تنها تو می‌توانی کشتی انتظار را به

ساحل امنِ نجات برسانی، پس ما را از آن پیاده
مکن.

خدایا! آن قدر انتظار را به انتظار می‌نشینم

تا طلعت دیدارش روشنی بخشِ مشرقِ جان‌ها
شود.

خدایا! نزدیک است در شهر ایمان، کمانِ

انتظار بشکند و قلوبِ منتظران بی‌تیر عشقِ او از
سینه‌ها برجهند پس کو آن ذخیره‌ی بی‌منتها؟!

خدایا! چگونه می‌توان به لقای تو شتافت بی

آن که آن انتظار آخر را ندید؛ زهی شرم! زهی
حسرت!

خدایا! جانِ من در تمنای انتظار در جوش و
خروش است و روحِ من چشم به راهِ آن شکوهِ
بی‌مثال.

خدایا! در گذران انتظار، تندیسِ انتظار چه
زیبا و تماشایی می‌شود.

خدایا! در پگاهِ انتظار، صبحِ سعادت دیدنی
خواهد بود.

خدایا! آن کس که نداند از دامنِ انتظار
می‌توان به معراج رفت، نه انتظار را می‌شناسد و
نه معراج را.

خدایا! چنان کن که در پایانِ انتظار، سر
افکنده و شرمسار نباشیم.

خدایا! نزدیک است چشمِ انتظار از انتظار
خشک شود، پس کو آن ماهِ فلک پیما؟!

خدایا! بندبند نگاهم از انتظار گسسته شد تو
با طلعت دیدارش آن‌ها را به هم متصل گردان.

خدایا! می‌دانم که با صبح ظهور، شب انتظار
به پایان خواهد رسید اما امید دیدارش هرگز
برایم پایانی نخواهد داشت.

خدایا! اگر طلب دیدارش، دیداری می‌طلبد
و هر دیدارش دیداری دیگر، پس دیدارش را
پایانی نخواهد بود.

خدایا! کعبه‌ی انتظار، قبله‌ی عاشقان انتظار
است، پس تو آنان را بی‌مثال و بی‌وصال رها
مکن.

خدایا! گویا نزدیک است کمان انتظار
شکسته شود و پایان انتظار نوشته شود اما کو
اهل بصیرت؟!

خدایا! چگونه می‌توان دست به دعای خیر
برافراشت و حال آنکه دستانمان از برکت انتظار
تهی باشد.

خدایا! چگونه قلبی که از انتظار گرم نشده
است در دستان یخ‌زده‌اش گل بروید.

خدایا! اگر باران انتظار، چشمان منتظر را
نوازش نکند، پس چه کند؟! و اگر باران انتظار،
دل‌های عطش زده را سیراب نکند، پس چه
کند؟! و اگر باران انتظار، تسلی‌بخش یاران انتظار
نباشد، پس چه کند؟!

خدایا! نوای انتظار از نای منتظران راستینش
بسی سوزناک است، پس تو خود این فُرقت و
جدایی را به آخر برسان.

خدایا! به ما گفته‌اند پایان شب سیه سپید
است، پس تو خود شب انتظار را به سپیدی روز
وصال مُبدّل فرما.

خدایا! درد انتظار از خود انتظار سخت‌تر
است، پس مرهم آن را رؤیت آن عصاره‌ی عصر
قرار ده.

خدایا! تا کنون می‌گفتم: «او کی خواهد
آمد» اما اینک می‌گوییم: «اگر او آمد مواجهه‌ی
من با او چگونه باید باشد؛ چه کلامی باید بر

زبان جاری سازم و بالاخره چگونه باید با او
چشم در چشم بشوم؟!»

خدایا! در محضر پر نور آفتاب انتظار از چه
چیز باید سخن بگویم، تو مرا در چنین لحظه‌ی
شگفت انگیزی یاری فرما تا در برابرش خجل و
شرمسار نباشم.

خدایا! اگر چکامه‌ی بلیغ انتظار، قلب تاریخ
را بی‌تاب کرده است، پس وای بر غفلت‌زدگان
تاریخ انتظار!!

خدایا! اگر منتظران راستین در بی‌نشانی
زندگی می‌کنند، پس ما را مدد ده تا در بازار
انتظار خلوص را به نام و نان نفروشیم.

خدایا! یاریمان کن تا به سلامت به سستیغ
تیز کوه انتظار صعود کنیم و در مسیر حرکت از
لبه‌ی پرتگاه‌های سهمناک آن جان سالم بدر
بریم.

خدایا! آنان که از باده‌ی انتظار سرمست
شدند، هرگز جام آست و عهدِ ازل را فراموش

نکرده‌اند. پس ما را از چنین بادهای سرمست
کن.

خدایا! رهروان صدیقِ انتظار، در انتظار پایان
آند، پس آنان را ناامید مکن.

خدایا! از کسی پرسیدند: «نشانِ منتظر
واقعی چیست؟» گفت: «بی‌نشانی». پس ما را
چنان کن که تنها نشانمان وفاداری و عشق به
صاحبِ انتظار باشد.

خدایا! آنان که اهل بصیرتند، پیامِ انتظار را
از دلِ انتظار دریافت می‌کنند، پس به ما بینایی
ده تا چنین امرِ عظیمی را به چشمِ دلِ شهود و
ادراک نماییم.

خدایا! اگر هوشیاری، درختِ انتظار را سر
سبز می‌کند و غفلت برگریزانِ درختِ انتظار
است، پس ما را از پاییزِ غفلتِ نجات ده.

خدایا! اگر آدمی حقیقتِ انتظار را
می‌شناخت، از انتظار جز انتظار، انتظاری نداشت.

خدایا! می‌دانم که در بهار انتظار، درخت
وجودمان بسیار سبز و پر طراوت خواهد شد
پس ریشه‌های درخت وجودمان را چنان قوی
کن که چنین بهار زیبایی را تجربه کنیم.

خدایا! ما را از گذرگاه انتظار به سلامت عبور
ده.

خدایا! اگر انتظار، فرصتی برای کمال آدمی
و پختگی بشریت است، پس چرا فرشتگانِ انتظار
بیش از ما در انتظارِ وعده گاهِ انتظارند.

خدایا! بدون شک، کتابِ انتظار را منتظران
راستین به پایان خواهند برد پس ما را در
زمره‌ی آن نیک نهادان قرار ده.

خدایا! گمان می‌کردم که تنها ما در انتظار
طلعت زیبای دلربای آن خورشیدِ انتظاریم، اما
دیدم از حضرت آدم علیه السلام تا خاتم صلوات الله علیه و از حضرت
علی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام و از ایشان تا
کنون همه در انتظار آن ولی عصر و ذخیره‌ی
الهی‌اند.

خدایا! مگر بی‌انتظار می‌توان در انتظارِ آن
مُنْتَظَرِ نشست.

خدایا! اگر صبرِ انتظار، ما را به صاحبِ انتظار
می‌رساند پس ما را شکیبایی ده.

خدایا! اگر فروغِ ایمان در صبحِ انتظار تجلی
می‌کند پس ما را از احساسِ آن لحظه‌ی
شکوه‌مند و پُر طُمطُرِاق محروم مگردان.

خدایا! آن کس که از فلسفه‌ی انتظار بی‌خبر
است، چگونه می‌تواند حقیقتِ انتظار را بشناسد.

خدایا! تو را سپاس از این که امروز بار دیگر
مرغانِ انتظار بر شاخسارِ درختِ قلبِ مِنتَظَرِ
نشستند و مرا به صبحِ دیدار نوید دادند.

خدایا! اگر درجاتِ انتظار بر انجامِ خدمات
استوار است، پس بر ما بیفزای حَسَناتِ در همه‌ی
دَفَعَاتِ برای کسبِ دَرَجَاتِ.

خدایا! مددی ده تا یاورِ انتظار باشیم نه داورِ
آن.

خدایا! آن کس که تو را شناخت، حقیقت
انتظار را خواهد شناخت.

خدایا! در تب و تاب انتظار، نه قلبی برای
تپیدن مانده و نه چشمی برای اشک ریختن و نه
زبانی برای فریاد زدن، پس کو آن آفتاب
بی سایه؟!

خدایا! در آفتاب سوزانِ انتظار، زبان‌ها از
عطش دیدارش خشکیده و قلب‌ها را رمقی برای
تپیدن نمانده است.

خدایا! به ما توفیق ده که پیوسته به خود
بگوییم؛ «ای مُنتظِر! در انتظار، غائب مباش و
بین که چگونه او پیوسته در انتظار تو حاضر
است.»

خدایا! اگر سری به وادی خاموشان
بزنیم، آنان نیز منتظر ذخیره‌ی تو‌اند.

خدایا! اگر آن کس که گناه می‌کند از
حقیقت انتظار دور می‌ماند، پس ما را پاک و
مطهر فرما.

خدایا! گاهی می‌رویم و گاهی می‌دویم، اما
خستگی بر ما غلبه می‌کند و گمان می‌کنیم که
جاده‌ی انتظار برای ما بسته است. پس در آن
هنگامه‌ی پر نیاز، ما را از چشمه سار امیدت
سیراب کن و جانی تازه بر ما ببخش تا در راه
نمانیم و سرانجام به دیدار آن یگانه‌ی دهر نایل
آییم.

خدایا! در عَجَبَم از آن کسی که از ظهور
اندرونی غافل است و در انتظارِ ظهور بیرونی
است.

خدایا! همیشه ما را یاد آوری کن که بدانیم:
«هر کار خوبی که انجام می‌دهیم، صاحب انتظار
با ما شریک است و اگر مشارکتش نبود چگونه
نیکی‌ها از ما پذیرفته می‌شد.»

خدایا! حالت انتظار را از منتظران مگیر.

خدایا! آن کس که حالت انتظار ندارد از
انسانیت خبر ندارد.

خدایا! می‌دانم مرامت، تنها به انتظار
گذاشتن نیست، پس ما در پایان شرمنده‌ی
انتظار مکن.

خدایا! تحققِ خردِ جمعی انتظار، مَهر تایید
ظهور را به دنبال دارد، پس آن را متحقق فرما.
خدایا! در مسیر انتظار و در انتهای آن
سلامت دینمان را تأمین و تضمین فرما.

خدایا! در کشاکشِ دهر، سنگِ زیرین
آسیابِ انتظار بودن، سخت است اما اگر تو یاری
کنی، آسان خواهد شد.

خدایا! هاتفی غیبی آرام آرام در گوش دل
می‌گفت: «یک بار امتحان کنید آن گاه در
خواهید یافت که دوستی با انتظار و تنفس در
فضای پر عطر و بوی آن، چقدر به شما آرامش و
انرژی خواهد داد.»

خدایا! در ضمیرم انتظار را آن چنان معنا
کن که لحظه‌ای از آن غافل نباشم.

خدایا! تو خود جام انتظار را به جان
تشنگانش بنوشان.

خدایا! حیرت انتظار نه از انتظار است بلکه از
شکوه و عظمت حقیقتِ آن است. پس ما را از
این حیرت بی‌نصیب مگذار.

خدایا! ترا سپاس که ما را در کمندِ لطفِ
انتظار قرار دادی.

خدایا! یاریمان کن تا راه روشن انتظار را گم
نکنیم.

خدایا! مگر می‌توان تاریخ انتظار را ملاحظه
کرد بی آن که بر تارک آن نام حسین علیه السلام
بدرخشد؟!

خدایا! چگونه می‌توان تاریخ انتظار را بی‌نام
حسین علیه السلام مرور کرد؟!

خدایا! چگونه می‌توان جاده‌ی انتظار را به
پایان برد بی آن که از مسیر کربلا عبور کرد؟!

خدایا! اگر چه آفتاب انتظار پیوسته تابان است، اما برخی هنوز ابرهای غفلت و تردید را از آسمان زندگی‌شان کنار نزده‌اند.

خدایا! شکوه نام‌های مبارکت در آسمان انتظار بسیار خیره‌کننده و تماشایی است.

خدایا! حقیقت حیات در حقیقت انتظار نهفته است؛ اما وا أسفا که غفلت‌زدگان گم‌گشته به دنبال چیز دیگرند.

خدایا! ذخیره‌ی انتظار، ذخیره‌ی توست، پس ما را ذخیره‌ی ذخیره‌ات قرار ده.

خدایا! وقتی چشم در چشم انتظار می‌شوم، اشک شوق در چشمانم حلقه می‌زند.

خدایا! روز دیدار در شب انتظار، چقدر دیدنی خواهد بود.

خدایا! نردبان انتظار در انتظار صعود منتظران است، اما کو صعود کننده راستین؟!

خدایا! بذر عشق صاحب انتظار را تو در دل
 مشتاقان کاشته‌ای، پس تو خود آن را بارور کن.
 خدایا! فرمول انتظار، رمز ماندگاری و
 جاودانگی است، پس آن را به ما بیاموزان.
 خدایا! اُفق نگاهمان را با اُفقِ انتظار هم آوا
 کن.

خدایا! پیدایی راه انتظار از تو.
 خدایا! انسانِ انتظار، انسانِ خدایی است،
 پس ما را چنین انسانی کن.
 خدایا! آن کس که صدای قلب انتظار را
 نمی‌شنود، از گوش جان بی‌بهره است.
 خدایا! گاه به انتظار می‌گوییم: «سلام بر تو،
 ای چشمه‌ی جوشانِ اشک»
 خدایا! در تب و تاب انتظار، ثبات قدم از تو.
 خدایا! اگر در چشمِ عرش نشینان، فضیلت
 انتظار بسیار آشکار است، پس بر ما نیز بنمایان.

خدایا! طَلَبِ انتظار همان و طَرَبِ اتصال
همان.

خدایا! اگر مرهم سوزش دل، یافتِ حقیقتِ
انتظار است، پس ما را بدان رهنمون باش.

خدایا! تو اهل انتظار را اهلیت انتظار داده‌ای،
پس آن را افزون کن.

خدایا! اُهالی انتظار را اهلیت انتظار ده.

خدایا! با شکوه‌ترین نماز پس از نماز ظهر
عاشورا، «نماز انتظار» است.

خدایا! آن کس که نداند اولین درس کلاسِ
انتظار، «ولایت» است، از انتظار چه نصیبی
خواهد برد؟!

خدایا! بی‌تردید اگر چشم باز کنیم در
خواهیم یافت که ظهر عاشورا، ظهر انتظار است.

خدایا! سِرِ انتظار، طهارت سِرّ است.

خدایا! بی‌وضوی انتظار چگونه می‌توان نماز
انتظار خواند؟!

خدایا! پیوسته باید گفت: «ای زنان پاکدامن
جهان، آماده باشید که یاوران انتظار از دامن
شما بر خواهند خاست»

خدایا! اگر خلوص نشانه‌ی راه انتظار است،
پس آن را در ما افزون کن.

خدایا! عرفان انتظار، صهبای انتظار است،
پس ما را از آن سیراب کن.

خدایا! راز دهر، راز انتظار است، پس ما را از
آن آگاه کن.

خدایا! نجوای انتظار، مناجات دلنشین
منتظران است.

خدایا! اشک شَفَق، خبر از سِرِّ ضمیرِ انتظار
می‌دهد.

خدایا! اشک سَحَر، مشقِ انتظار است.

خدایا! قَدَرِ زینب علیها السلام خمیده شد تا قَدَرِ انتظار
خمیده نشود، پس وای بر غفلت زدگان!!

خدایا! آفتاب انتظار زپیدایی نهان است.

خدایا! اگر مشک عباس علیه السلام، تشنگانِ انتظار
را سیراب می‌کند، پس جهانِ انتظار تشنگام آن
است.

خدایا! اگر از امامِ انتظار، مظلوم‌تر
می‌شناختم، نام می‌بردم.

خدایا! ما را کمک کن تا صدای هَلِ مَنِ
ناصرِ حسین علیه السلام را از حنجره‌ی انتظار بشنویم و
از عمق جان لبیک گوئیم.

خدایا! تجلیاتِ انتظار با قلب عارفان چه‌ها
می‌کند!!

خدایا! مکتوبِ انتظار، با خامه‌ی خامِ من
چگونه مسطور می‌شود؟!

خدایا! سلوکِ انتظار، سلوکِ محبت است.

خدایا! نسیم صبحِ انتظار جهان را عطرآگین
می‌کند و جان منتظران را شاداب و پر طراوت
می‌سازد.

خدایا! مرا نه شرمنده دل کن و نه شرمسار
انتظار.

خدایا! انسان را چنان خلق کرده‌ای که
انتظار را می‌شناسد اما در فرشتگان نه حالت
منتظره است و نه چیزی به نام انتظار.

خدایا! جان تشنگمان انتظار، در عطش
دیدار صاحب آن می‌سوزد.

خدایا! زمزمه‌های مناجات انتظار، خواب و
خوراک را از منتظران دل سوخته ستانده است.
خدایا! منتظران بیدارند، زیرا تشنه‌ی
دیدارند.

خدایا! منتظران راستین، غروب آفتاب را
ندیده‌اند تا در انتظار طلوع آن باشند.

خدایا! افسوس که در کلاس انتظار، مشق
عشق نیاموختیم تا صاحبش را عاشق شویم.

خدایا! در عصر انتظار چگونه می‌توان پله پله
تا مرز ملاقات با خورشید انتظار به پیش رفت.

خدایا! عارفانه‌های انتظار، آینه دل را صیقل
می‌دهد و روح را پرواز.

خدایا! نم نم اشک در لحظه لحظه‌ی انتظار
چه شیرین است.

خدایا! شیفتگان آن ذخیره‌ی آخرینت
می‌سوزند و می‌سازند اما دم نمی‌زنند و امید
دارند که او می‌آید و بهانه‌ها را بر می‌چیند و
نیک خواهانش را با خود همراه می‌کند.

خدایا! از حیرت انتظار، زبان در کام مانده.
خدایا! انطباق زبانِ انتظار با زمانِ انتظار در
دستان تو.

خدایا! آنان که به حضور پر مهرِ صاحب
انتظار رسیده‌اند، حاضرند همه‌ی زندگی خود را
در بازار انتظار حراج زنند اما بار دیگر آن یگانه‌ی
روزگار را زیارت کنند، پس امیدشان را نا امید
مکن.

خدایا! یاریمان کن تا بتوانیم خود را در
آینه‌ی انتظار مرور کنیم و جانمان را آسمانی.

خدایا! نمی‌دانم بارش باران اشک را در
دشت وجود منتظران، چه نامم و چگونه باید آن
را توصیف نمایم؟!

خدایا! راز انتظار، حقیقت بندگی.

خدایا! مسیر انتظار، راه بندگی.

خدایا! دیگر نه صبر می‌شناسیم، نه انتظار،
پس کو آن صاحب انتظار؟

خدایا! عنایتی فرما تا شکوفه‌های باغِ انتظار
شکفته شوند و صاحب باغ از در آید.

خدایا! مگذار در عصر انتظار «ذوالجناح»
قلبمان در برهوت تاریک دنیا، بی صاحب
خود، سرگشته و آواره شود.

خدایا! تفسیر انتظار را باید از صاحب آن
سراغ گرفت. پس کو آن یگانه دوران؟!

خدایا! منتظران پیوسته چشم به راه
زیباترین تجلی صبحِ انتظار.

خدایا! به لطف بیکرانها، آوای پروانه‌ها در
دل شب، نوید بهار انتظار است.

خدایا! حتی اگر خوابی آرام، چشمان
منتظران را بریابد، اما قلب آنان را هرگز.

خدایا! هر کس خورشید وجود حضرت
صاحب الزمان علیه السلام را نادیده گیرد باید منتظر
سایه‌های تاریکی بر زندگی خود باشد..

خدایا! چنان کن که همانند سالکان کوی یار
ما را نیز دو انتظار و دو ظهور باشد: یکی انتظار
خاص و ظهور فردی و خصوصی و دیگری انتظار
عام و ظهور جمعی و عمومی.

خدایا! سالکان کوی یار، یاوران انتظارند،
پس آنان را بر ما بنمایان.

خدایا! راه انتظار را چنان بر ما آسان کن که
یک شبه ره صد ساله رویم.

خدایا! معمارِ طریقِ انتظار تویی. پس تنها تو
می‌دانی که این راه را چگونه باید رفت که زودتر
به مقصد رسید.

خدایا! اسرار سلوکِ منتظرانه را آن چنان بر
ما آشکار کن که این راهِ خیلی دور، خیلی
نزدیک شود.

خدایا! چنان کن که آه از منتظران، اما نگاه
از صاحب انتظار.

خدایا! بی‌تردید آن کس که پشت به آفتاب
انتظار کند چیزی جز سایه‌ی خودش نصیبش
نمی‌شود.

خدایا! توفیق‌مان ده تا پیوسته به حجت
انتظار و ذخیره‌ی بی‌همتایت نظر کنیم تا شاید
به لطف تو نگاهی را به ما نیز هدیه کند.

خدایا! صاحب نور تو در عصر انتظار، چه زود
دوست می‌شود اگر ما لایق باشیم.

خدایا! مرا شرمنده بغض‌های نشکفته انتظار
مکن.

خدایا! سجده انتظار، اتصال به تو.

خدایا! حسّ انتظار را چنان در من تقویت
کن که شکوه و عظمت آن را دریابم.

خدایا! اگر منتظر انتظار نمانم، صاحب انتظار
برایم ظهور می‌کند؟!

خدایا! سوختگان انتظار را دریاب.

خدایا! چه انتظاری می‌توان از کسی داشت
که در دنیای او اصلاً چیزی به نام انتظار وجود
ندارد! پس در عالم او انتظاری رخ نداده است تا
منتظر صاحب آن باشد.

خدایا! به ما مدد ده تا در دنیایی که ما در
آن زندگی می‌کنیم معنای حقیقی انتظار، تجلی
پیدا کند و بعد طالب دیدار صاحبش شویم.

خدایا! چگونه می‌توان در مسیر انتظار نبود
اما انتظار رؤیت صاحبش را داشت؟!

خدایا! اگر انتظار یعنی تشنگی. پس این
عطش را چنان در ما افزون کن که به واسطه
این روح عطشناک، سرانجام آن آب حیات
پدیدار گردد.

خدایا! وقتی می‌بینم صاحب انتظار هم چون
عمویشان حضرت عباس (ع) مشک انتظار را به
دست مبارکشان گرفته و تشنگان انتظار را با
تواضع تمام سیراب می‌کند از خود شرمنده
می‌شوم.

خدایا! جان صاحب انتظار در دستان توست،
پس آن را از نگاه بدطینتان و دیوسیرتان در
آمان دار.

خدایا! چگونه می‌توان در سِلکِ سالکان
درآمد، اما از سلوکِ انتظار غافل بود؟! چگونه
می‌توان صاحب‌دل بود اما صاحب را ندید و از او
نپرسید؟!

خدایا! توفیقان ده، واژه واژه زندگیمان همان
کلماتِ محبوبِ صاحبِ انتظار باشد.

خدایا! تفسیر لحظه لحظه‌ی انتظار، مفسّر
انتظار می‌خواهد. پس در فرج آن مفسّرِ آسمانی
تعجیل فرما.

خدایا! آن منتظران واقعی را که لوح زرّین
انتظار را به آنان هدیت دادی بر ما بنمایان.

خدایا! شهیدانِ انتظار را به دیدار صاحبشان
نایل گردان.

خدایا! مددمان ده شبِ انتظار را پشت سر
نهیم و هر چه زودتر صبحِ انتظار را تجربه کنیم.
خدایا! در مَسَلکِ انتظار، فانی شدن شرط
بقاست.

خدایا! چگونه می‌توان بی‌مُهرِ تأییدِ ولیّ
سلوک و صاحبِ اُمرت، بر طریق سلوکِ خویش
اطمینان داشت؟!

خدایا! زمامِ انتظار در دست تو.

خدایا! قرب تو، حقیقتِ انتظار.

خدایا! فتح الفتوح سلوکِ عارفانه، درک
انتظار.

خدایا! راهِ شهودِ انتظار، اَدبِ مَعَ الله.

خدایا! بی‌اَدبِ محروم از لطفِ انتظار.

خدایا! غریب انتظار، آشنای تو.

خدایا! بیداران عالم، همراه صاحب انتظار.

خدایا! ما را با صاحب انتظار، هم دل و هم
زبان کن.

خدایا! ارتعاشات و بسامدهای وجودی ما را
با صاحب انتظار هم آوا کن.

خدایا! در مَسَلکِ انتظار، فانی شدن، شرط
بقاست.

خدایا! چنان کن که قرار مولای انتظار را بر
وجود خویش ترجیح دهیم و فرمانش را در هر
شرایطی مطیع باشیم.

خدایا! ملکوت انتظار را بر ما نمایان ساز.

خدایا! نافرمانی از فرمانِ صاحب انتظار را
زنگِ خطرِ جانمان ساز.

خدایا! آن هادی و ناجی و صاحب امر را به
فریادمان برسان تا ما را از صندوقچه هوی و
هوس‌های این جهان نجات دهد.

خدایا! اگر فریادرسی در جهان باشد، آن
کس جز دادگسترِ جهانِ انتظار نیست، پس او را
به فریادمان برسان.

خدایا! مددی کن، دستانِ شفابخشِ صاحب
انتظار، چشمِ دل‌مان را بینا کند.

خدایا! اما و اگرها را از ما دور کن تا شرم‌نده
صاحبِ انتظار نشویم.

خدایا! زیباترین انتظار، با افتخارِ منتظرِ
صاحبِ خود بودن است.

خدایا! دیدن هر عاشقِ انتظار را مَدخلی
برای رؤیت جمالِ نورانیِ صاحبِ انتظار کن.

خدایا! در مناجاتِ وصالِ سالکان، کلمات
جایی برای ظهور ندارند.

خدایا! من هنوز انتظار نمی‌دانم. زیرا به
خواب می‌روم و وقتی که او می‌آید من نیستم.
پس وای بر من و این انتظارم!!

خدایا! در مناجات انتظار به انتظار چه چیز
باید نشست؟! با کدامین قدم، قلم، نگاه، بیان و
زبان باید انتظار را مرور کرد؟!

خدایا! تا کی باید بر لبِ دریای انتظار
نشست؟!

خدایا! ما را چنان کن که هر گاه خورشید
انتظار طلوع کرد، شرمنده و سرافکننده نشویم.

خدایا! ما را مدد کن تا ماهی کوچک
خوشبختی را از دریای انتظار صید کنیم.

خدایا! چگونه می‌توان از حقیقتِ انتظار
غافل بود و طعم سعادت را چشید؟!

خدایا! آوای انتظار در گوش زمان پیچیده
است، پس وای بر زمانیان اگر کر باشند!!

خدایا! شعله‌های طلبِ معرفتِ انتظار را در
ما افزون کن تا به طَرَبِ فهمِ حقیقت آن نایل
شویم.

خدایا! آداب انتظار عارفان را نیز به ما
بیاموزان و بر انجامش موفق بدار.

خدایا! ترنم انتظار آوای عاشقی است اما تنها
منتظران راستین را قدرت ادارک چنین اصوات
زیبایی داده‌ای.

خدایا! چگونه منتظر بودن را به ما بیاموز.

خدایا! آن کس که به وادی انتظار سری بزند
کسانی را خواهد دید که نزدیک است از شدت
انتظار قالب تهی کنند اما چه کنند که دستور
بردباری و شکیبایی دارند!

خدایا! اگر انتظار دورتر و دیرتر شود،
روح‌های سرگردان بیشتر خواهند شد.

خدایا! ما را از زمزم کوثر زلال معرفت انتظار
چنان سیراب کن که مهارت انتظار را به خوبی
فراگیریم.

خدایا! گاه چنان عرصه بر منتظران و
شیفتگان صاحب انتظار تنگ می شود که گمان

می‌کنند گویا سر آن‌ها بر نیزه انتظار بالا رفته
 است اما چه کنند که باید هم‌چون مولایشان
 حسین علیه السلام بر سر چنین نیزه‌ای پیوسته قرآن
 بخوانند تا شاید دیرتر نشود.

خدایا! نمی‌دانم ما بی‌تاب‌تریم یا صاحب
 انتظار؟! اما گمان می‌کنم اگرچه عطش دیدارش
 چه در زمستان و چه در تابستان انتظار، تاب از
 ما ستانده است اما بی‌تابی او بیش از ماست.

خدایا! ترا سپاس که چه خوب در تندباد
 حوادث روزگار، کوی انتظار را مأمن آرامش
 بندگان قرار دادی.

خدایا! مددی کن، انتظار را افسانه نپنداریم
 تا به درک حقیقت آن نایل گردیم.

خدایا! ما را در زمره کسانی قرار ده که از
 درون بجوشد، لباس تقوی بپوشد، پیوسته در راه
 تو بکوشد و با طیب خاطر جام انتظار را بنوشد و
 سرانجام به دیدار صاحبش مباحی و مفتخر شود
 و در حسرت آن دیدار استثنایی نسوزد.

خدایا! هرگز مباد که در رزمگاه انتظار بازنده
شویم و جوان پیر شود و خیلی زود دیر شود.

خدایا! اگر رخصت دهی شمس وجود
صاحبمان در غروب انتظار طلوع کند و دل‌های
غم‌زده را روشنی بخشد.

خدایا! آن کس را که در عصر انتظار، آینه‌ای
داده باشی، بی هیچ هیاهویی عیوبش را برطرف
می‌کنی.

خدایا! عصاره‌ی زمان در کنارمان اما بی او
بودن، حکایتی غریب و سوزناک است.

خدایا! گرچه در دنیای انتظار ناله‌ها کردیم و
رنج‌های بسیار دیدیم اما اگر روحمان شکفته
شود و جانمان آسمانی و قلبمان در ید
صاحبمان باشد تراشکر و سپاس فراوان
می‌گوییم و همه‌ی دردهایمان درمان می‌شود و
آستانه‌ی بردباریمان افزون خواهد شد.

خدایا! ما را با حلقه‌ی اتصال زمین با آسمان
پیوند ده.

خدایا! عاشق مولای انتظار، اگر انتظار نکشد،
پس چه کند؟!

خدایا! حیات ما و شادی ما در استشمام
رایحه ی دل انگیز حضرت صاحب عج الله است.
پس ما را از آن بی بهره و بی نصیب مگذار.
خدایا! با او نوریم و بی او کور.

خدایا! اگرچه نور به زور به کس ندهند اما
اگر در کنار صاحبمان و مولایمان باشیم، ما نیز
صاحب نور خواهیم شد، پس این فرصت طلایی
را به ما نیز ارزانی دار.

خدایا! ما را بیاموز که باید انتظار را با
صاحب انتظار تجربه کنیم.

خدایا! بلاجویان دشت انتظار را بیش از
پیش با صاحب انتظار همسو و هم‌نوا کن.

خدایا! روح انتظار را بیش از پیش در کالبد
فسرده جهان امروز بدم و آن را پرتوان و نیرومند
ساز.

خدایا! چنان کن که انتظار بدانیم و آداب
منتظران نگه داریم.

خدایا! چنان کن که قدر انتظار بدانیم تا
کاری نکنیم که بی قدر شویم.

خدایا! اگر شکوفه های امیدمان بر درخت
بلند انتظار نروید از شدت فراق قالب تهی
خواهیم کرد.

خدایا! شیدای ظهور با گناه چکار دارد؟!
خدایا! با ظهور معنا بخش جهان هستی،
حیات ما را در عالم انتظار معنا دار کن.

خدایا! اگرچه انتظار سخت است اما اگر
نتیجه اش درک حضور فخر زمین و زمان باشد
بر ما آسان خواهد بود.

خدایا! حقیقت جهان انتظار را با طلوع پر
فروغ خورشید آن بر همگان روشن و آشکار کن.

خدایا! چه تماشایی و زیباست که پس از
سال‌ها چشم انتظاری به استقبال زیباتر از زیبا
رفت.

خدایا! گوش جانمان را چنان کن که ترنم
صبح انتظار را که خبر از حقیقت وصال می‌دهد
به خوبی شنوا باشیم.

خدایا! در ملکوت انتظار، حقیقت حیات را بر
ما بنمایان.

خدایا! آن کس که بتواند از مغرب انتظار به
سوی مشرق آن هجرت کند به حقیقت آن نایل
خواهد شد.

خدایا! «مناجات انتظار» را مَدخلی «برای
سالکان کوی یار» قرار ده.